

بررسی نمودهای بومگرایی و بومهراسی در دیوان پروین اعتصامی

نغمه هوشیاران، مهدی رستمی*

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سلمان فارسی کازرون، کازرون، ایران.

سال نوزدهم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۲۰، صص ۲۴۳-۲۲۳

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8135>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: زمینه این پژوهش متن اشعار پروین اعتصامی منتشر شده در دیوان وی است. بررسی و تحلیل نمونه‌ها بر اساس رویکرد نقد بومگرا و بومهراسی هدف این پژوهش را تشکیل میدهد.

روشهای پژوهش: روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی بر مبنای خوانش دیوان پروین اعتصامی است که داده‌ها و نمونه‌ها با شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و فیش‌برداری از متن اشعار وی استخراج گردیده، سپس به تحلیل داده‌ها و نمونه‌ها بر مبنای نقد بومگرایی و نیز بومهراسی پرداخته شده است.

یافته‌ها: بعد از بررسی اشعار پروین در دیوان وی بر مبنای نقد بومگرایی مشخص گردید داده‌های مستخرج در مولفه‌های شش‌گانه: طبیعت‌ستایی، طبیعت‌یاددهنده، زمینه‌های طبیعی، طبیعت-باوری، حیوان‌دوستی و شکارستیزی قابل دسته‌بندی است. بر همین اساس نمونه‌ها در این شش مولفه بازبایی و تحلیل گردید. پروین شاعری است که از زبان شخصیت‌های قصه در مناظرات خود طبیعت را میستاید و از مناظر طبیعی و بکر به عنوان پس‌زمینه‌ای تکرارشونده استفاده میکنند. او برای طبیعت نقش یاددهنده و آموزشگر قائل است. گاه باورهای طبیعی مثل طبیعت‌درمانی را پیش میکشد. علاقه‌مندی او به حیوانات، پرندگان، گلها و درختان در اشعارش مشهود است. بر همین اساس از شکار حیوانات به دست انسانها، ناخشنود و نگاهی منتقدانه به صید دارد. ابزار شکار نیز در اشعارش با صفاتی نادلخواه نمود داده شده است.

نتیجه‌گیری: پروین شاعری است دوستدار طبیعت و زیست بوم و عناصر محیط زیست از جمله گلها، درختان، و پرندگان و حیوانات را در جهان شعری خود به صورت پرنرنگ راه داده است. وی از عناصر طبیعی برای زمینه‌سازی بسیاری از مناظرات خود بهره برده است. همچنین به حیوانات و پرندگان و گلها شخصیت بخشیده و اعمال انسانی از جمله تفکر و اندیشه و احساس برایشان قائل شده که همگی حکایت از نگاه مثبت او به طبیعت و محیط زیست است. در خوانش بومهراسانه عناصر و اجزای طبیعت همچون باد و طوفان، گرمای خورشید، خشکسالی، برف و تگرگ، شب و تاریکی و دریا نقشی ویرانگر و عامل تهدید برای جان موجودات ترسیم شده است.

تاریخ دریافت: ۱۵ آذر ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۱۷ دی ۱۴۰۴

تاریخ اصلاح: ۰۲ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۶ اسفند ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

پروین اعتصامی، نقد بومگرا، بومهراسی، محیط زیست، طبیعت.

* نویسنده مسئول:

dr.rostami@kazerunfsu.ac.ir

☎ (۰۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The Analyze Of Parvin Etesami's Poetry Based On Ecocriticism

N. Hooshyaran, M. Rostami*

Department of Persian Language and Literature, Salman Farsi University of Kazeroun, Kazeroun, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 06 December 2025

Reviewed: 07 January 2026

Revised: 22 January 2026

Accepted: 07 March 2026

KEYWORDS

Parvin Etesami, Ecocriticism, Ecophobia, Environment, Nature.

*Corresponding Author

dr.rostami@kazerunsfu.ac.ir

(+98)

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: The background of this research is the text of Parvin Etesami's poems published in her poetry. The study and analysis of the samples based on the approach of Eco-criticism and Eco-phobia criticism constitute the objective of this research.

METHODOLOGY: The method of this descriptive-analytical research is based on the reading of Parvin Etesami's poetry, in which data and samples were extracted from the text of her poems using library and documentary methods and by taking notes. Then, the data and samples were analyzed based on the eco-criticism and eco-phobia.

FINDINGS: After examining Parvin's poems in her poetry based on the criticism of eco-criticism, it was determined that the extracted data can be categorized into six components: nature praise, nature teaching, natural backgrounds, naturalism, animalism, and anti-hunting. Accordingly, the samples were retrieved and analyzed in these six components. Parvin is a poet who praises nature in her dialogues through the language of the characters in the story and uses natural and pristine landscapes as a recurring backdrop. She considers nature to be a teaching and educational role. Sometimes she puts forward natural beliefs such as nature therapy. Her interest in animals, birds, flowers, and trees is evident in her poems. Accordingly, she is unhappy with the hunting of animals by humans and has a critical view of hunting. Hunting tools are also depicted in her poems with unwelcome attributes.

CONCLUSION: Parvin is a poet who loves nature and the environment and has boldly included elements of the environment, including flowers, trees, birds, and animals, in her poetic world. She has used natural elements to create the background for many of her dialogues. She has also given animals, birds, and flowers personalities and attributed human actions, including thinking, contemplation, and feeling to them, all of which are evidence of her positive view of nature and the environment. In the ecophobic reading of elements and components of nature such as wind and storm, heat of the sun, drought, snow and hail, night and darkness, and the sea, a destructive role and a threat to the lives of creatures have been depicted.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8135>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 14	 0	 0

مقدمه

طبیعت و شیوه نگاه به آن همواره جزء اصلی اشعار شاعران بوده به حدی که در بسیاری از اشعار شاعران تشبیه معشوق را به اجزای طبیعت، مشاهده میکنیم. در جوامع انسانی نگرش به طبیعت از دریچه فرهنگ صورت میگیرد. خواه این نگاه بی طرفانه باشد خواه مغرضانه. امروزه حتی تصور کردن رودخانه‌ها و دریا بدون قایق و پل دور از ذهن به نظر میرسد. بنابراین « برای درک زیبایی یک گنجشک در آغوش مادرش آن را روی سیم برق نمایش میدهیم. این طبیعتی است که فرهنگ یا ایدئولوژی حاکم برای ما تعریف کرده است و ما از دریچه آن به جهان مینگریم.» (طاووسی، ۱۴۰۱: ۲۸) پذیرش موجودات از سوی انسان در مفهوم «دیگری» میتواند ساختارهای قدرت در تمدن حاضر را متزلزل سازد: «هلنا فِدر در بومنقد ونظریه فرهنگ اشاره میکند که پذیرش وجود فرهنگ دیگر حیوانات- واز این طریق، رد کردن ایدئولوژی‌هایی که به برتری انسان حکم میدهند- ساختار قدرت را به چالش میکشد؛ قدرتی که هم انسان وهم غیرانسانها را سرکوب میکند.» (همان، ۳۲)

ظهور و پیدایش بحرانهای زیست محیطی پیشینه‌ای طولانی دارد اما در دهه‌های اخیر این پدیده در ارتباط با شاخه‌های مختلف درحال مضمون‌آفرینی است. «نقدبومگرا که در نیمه دوم قرن بیستم شکل گرفت، به بررسی رابطه ادبیات و محیط فیزیکی میپردازد. ناقدبومگرا در این نقد، دغدغه‌های زیست محیطی را لحاظ میکند.» (پارساپور، ۱۳۹۱: ۷)

«اصطلاح نقد بومگرا در سال ۱۹۸۷ میلادی توسط ویلیام روکرت ابداع شد. این رویکرد به آثار ادبی به‌ویژه پس از نشست سالانه ادبیات و محیط‌زیست در سال ۱۹۹۲ میلادی در آمریکا و تشکیل انجمن جدیدی برای مطالعه ادبیات و محیط‌زیست (ASLE) مورد توجه واقع شد. اعضای این انجمن توانستند در سال ۱۹۹۳ میلادی مجله جدیدی با عنوان مطالعات میان رشته‌ای در ادبیات و محیط‌زیست (ISLE) منتشر کنند. هم‌اکنون طی دوده که از شکل‌گیری رسمی این نقد میگذرد، ده‌ها کتاب و چندین انجمن علمی سراسر جهان با نگرشی بومگرایانه شکل گرفته است.» (همان: ۸) بوئل بوم نقد را «مطالعه روابط زیستی و جریان انرژی در میان موجودات زنده و غیرزنده میداند. در تاریخچه زیست محیطی، گری اشنايدر، شاعر آمریکایی که او را پیامبر بومنقد میدانند، بیشترین تأکید را بر اهمیت انرژی دارد.» همچنین وی معتقد بود که «در بین موجودات انرژی جریان دارد و شاعر موفق کسی است که بتواند این جریان سیال انرژی را درخود مهار و به کلمه تبدیل کند.» (طاووسی، ۱۴۰۱: ۲۴)

از لحاظ لغوی اصطلاح بومگرا از دو بخش *eco* مخفف *ecology* و *criticism* تشکیل شده است. (همان: ۱۵) «نگارندگان در این نوشتار نشان میدهند که درون مایه اصلی این اشعار زیست محیطی، مبتنی برتوصیف طبیعت و عناصر آن و تأثیرش برکار و زندگی مردم، دغدغه‌های حفظ محیط‌زیست طبیعی و شهری و مبارزه با آلودگی، صید و شکار ناآگاهانه و بی‌رویه است. (کیانپور-فیاضی، ۱۳۹۶: ۴۳)

«حوزه مطالعاتی نقد بومگرا بنا به دلایل زیادی گسترده است. نقد بومگرا همه ژانرهای ادبی را دربر میگیرد. بسیاری از منتقدان بومگرا گسترده کردن مطالعات سبز را که تحلیل مفاهیم متنی مرتبط با محیط‌زیست است، در همه انواع ادبی شامل داستان و شعر و نیز نوشته‌های علوم طبیعی و اجتماعی توصیه میکنند.» (پارساپور، ۱۳۹۱: ۷) «نقد بومگرا مفهوم زمینه را نه تنها از حد صحنه و مکان فراتر میبرد، بلکه آن را تا حد جهان بسط میدهد چنانکه باید نگریش که ادبیات در فضای زیباشناسانه فوق جهان مادی سیر نمیکند، بلکه در سیستم بسیار پیچیده جهانی، نقشی ایفا میکند که در آن انرژی، ماده و ایده و تفکر باهم درتعامل ناگسستنی هستند. این دیدگاه پیوند بین

نویسندگان متون و نظم هستی را واری می‌کند. این خوانشی است که پیوند بین محیط‌زیست با ادبیات را برجسته می‌کند. «(مهربان - عرب یوسف‌آبادی، ۱۴۰۲: ۹۷)

هدف نقد بومگرا بر روی رابطه انسان با طبیعت و نوع انعکاس آن در آثار ادبی با هدف بهره‌گیری از آن در اصلاح نگاه، احساسات، عواطف ما نسبت به طبیعت متمرکز است. (عاطفه‌پور - پارساپور، ۱۴۰۲: ۱۱۲) «اگر به دنیای ادبیات به‌ویژه به دنیای شعر نگاهی بیفکنیم، فضای کلی آن را دور از مسائل محیط‌زیست میابیم. کمتر شعری میبینیم که به عوامل برآمده از این بحران اشاره‌ای داشته‌باشد. گویی شاعران ترجیح می‌دهند در همان فضا و محیط شاعرانه گذشته، دور از همه دغدغه‌های زیست‌محیطی، دنیای تخیلی خود را توصیف کنند.» (پارساپور، ۱۴۰۱: ۱۴) همانطور که گفته شد این رویکرد به مسائل، مشکلات و بحرانهای محیط زیستی میپردازد و به نوعی محیط‌گرا است و به دنبال ارائه روشهایی برای برقراری تعادل و عدالت بین انسان و محیط زیست بوده و همچنین ادبیات را وسیله‌ای برای افزودن آگاهی در برقراری و استفاده درست از طبیعت و نکوهش رفتار نادرست انسان با حیوانات و طبیعت و اجزای آن چه در متون نثر و چه در شعر قرار داده و همچنین نشان‌دهنده تاثیر طبیعت بر روح و روان شاعر نیز میباشد.

طبیعت علاوه بر مزیت‌های بیشماری که برای انسان دارد و به نوعی پرورش‌دهنده انسان است، مضرات و خطرهای طبیعی نیز برای انسان دارد که پیشبینی و پیشگیری از آنها خارج از اراده انسان است؛ بنابراین یکی دیگر از هدفهای نقد بومگرا بررسی تاثیر مخرب انسان بر طبیعت نیز میباشد.

بیان مسئله

با توجه به اینکه نقد بومگرا به‌عنوان یکی از مسائل نوین مطرح است و قصد دارد پیوند جدیدی بین ادبیات و محیط زیست برقرار کند و حاصل نگرانی انسان معاصر است و این نگرانی دغدغه او را نسبت به طبیعت نشان میدهد. طبیعتی که بخاطر تکنولوژی و پیشرفتهای مهار گسیخته انسان در معرض آسیب و گاه نابودی قرار گرفته‌است. از سمت دیگر متون گذشته ما، شامل نظم و نثر را شاهدیم که طبیعت در آن نقش پررنگی دارد و در شعر پارسی از طبیعت و اجزای آن حضور فعالی دیده میشود. گاهی اجزای طبیعت در متون و اشعار به‌عنوان نمادین استفاده میکنند. «از منظر نقد بومگرا، تحلیل داستانها همیشه به طرح داستان وابسته نیست، زیرا در بسیاری از موارد طبیعت در پس‌زمینه داستان قرار میگیرد و همیشه در پیشبرد روایت داستان و شعر به‌طور مستقیم دخالت ندارد. اما، تاثیر رابطه انسان و طبیعت در خور ملاحظه و پررنگ است. این رابطه به شخصیت اصلی داستان محدود نمیشود و ممکن است هریک از شخصیت‌های داستان تحت تاثیر رابطه طبیعت با انسان قرار گیرند.» (حبیبی نسامی، ۱۳۹۳: ۹۷) «از قرن سوم هجری تا کنون، شاعران و نویسندگان به‌صورت توصیفات هنری و زیبا و نیز در ساخت تشبیهات، استعاره، نمادها و نظایر آن، به طبیعت توجه خاصی داشته‌اند. حضور طبیعت در ادب فارسی، در همه انواع آن مانند حماسی، غنائی (عاشقانه و عارفانه) و غیره، کمابیش دیده میشود. از سوی دیگر، از قرن بیستم میلادی، در پی تأثیرات منفی صنایع گوناگون بر محیط زیست، نوع نگاه انسان به طبیعت دگرگون گشت. این تحول به‌عنوان زیست‌بوم‌گرایی (Ecologism) مطرح شد. (دارائی - نوبری، ۱۴۰۱: ۱۱۸) از آنجایی که طبیعت در شعر پروین مثل بیشتر شاعران کلاسیک حضوری پررنگ دارد و دیگران در حوزه بلاغت به بررسی تصویرهای طبیعی در قالب آرایه‌های ادبی مثل تشبیه و استعاره پرداخته‌اند که در این مقاله نمی‌گنجد. هدف ما بررسی بلاغی نیست بلکه

میخواهیم کیفیت حضور طبیعت و زیست‌بوم را در شعر و اندیشه پروین اعتصامی بازبایی کنیم که برای این مقصود از نظریه «نقد بوم‌گرا» بهره برده‌ایم.

زیست‌بومگرایی «در درجه اول با تغییری اساسی در رابطه بین انسانها و طبیعت سر و کار دارد به گونه‌ای که انسانها دیگر نه «آرباب» دنیای طبیعی، بلکه شرکای دیگر موجودات زنده باشند. این نظر گاه دربرگیرنده تغییرهایی در سازمان زندگی بشر هم هست.» (کنی، ۱۳۸۵: ۲۷۶) شناخت جلوه‌های بازنمایی طبیعت، راه را برای شناخت و درک بهتر شعر فارسی به ویژه در دوره معاصر هموار میسازد. از این طریق میتوان دست به سنجش و مقایسه شعر سنتی و با شعر معاصر زد و همسانیها و ناهمسانیهای آنها را واکاوی کرد. (دارائی - نوبری، ۱۴۰۱: ۱۲۰)

در نهایت ما به دنبال پاسخ این پرسشها هستیم که آیا میتوان سروده‌های پروین را به عنوان یک متن ادبی از دریچه نقد بوم‌گرا نگریست؟ مولفه‌های نقد بوم‌گرایانه و نیز اکوفوبیا (بومهراسی) در اشعار وی چه نمودی داشته‌است و در مجموع نگاه او به طبیعت چگونه بوده است؟

هدف و ضرورت تحقیق

در این مقاله در تلاش هستیم که آثار پروین را بعد از خوانش و تحلیل از لحاظ میزان دغدغه‌مندی شاعر در علاقه به حیوانات و نقد استفاده بی‌رویه از طبیعت و حیوانات را نشان دهیم. همچنین که مفاهیم بوم‌گرایانه و بومهراسانه در اشعار پروین اعتصامی را مورد بررسی قرار دهیم و همچنین نشان دهیم که ادبیات در آگاهی بخشی در بهره‌مندی از طبیعت موثر است. انسان در دوره ماتوجه بیشتر و نگاه عمیقتری به طبیعت پیدا کرده و چون در معرض انواع آسیبهای مختلف از جمله: خشکسالی و گرمایش جهانی و گازهای گلخانه‌ای و استثمار طبیعت برای منافع خود و... قرار دارد، دغدغه محیط‌زیستی بیشتر شده است؛ بنابراین نیاز است که با این رویکرد خوانش آثار ادبی خود بپردازیم. از طرفی پروین اعتصامی به عنوان یکی از چهره‌های شاخص ادبیات معاصر ما که از زنان شاعر موفق نیز میباشد، در این مسئله به فراموشی سپرده شده و تلاش ما این است که با نگاهی تازه به اشعار پروین در این مقوله بپردازیم.

پیشینه تحقیق

- در زمینه ادبیات با رویکرد نقد بوم‌گرا، کتابها و مقالات بسیاری نوشته شده‌است که از میان آنها میتوان به مجموعه مقالات انگلیسی «درباره نقد بوم‌گرا» اشاره نمود که با گردآوری، مقدمه و ویرایش زهرا پارساپور توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سال ۱۳۹۲ منتشر شده‌است.

- «بازتاب گل و گیاه در دیوان پروین اعتصامی» از مهدی نجفی سسمسی و سید محمد خوشدامن به بررسی جنبه‌های گل و گیاه در دیوان پروین میپردازد.

- «کارکرد نشانه گل سرخ در اندیشه واقع‌گرایی پروین اعتصامی» از سکینه عباسی و روح الله هاشمی از نوع نگاه شاعر به جایگاه خود به عنوان زن در ادبیات فارسی تحلیل میشود.

با اینحال تا کنون کار پژوهشی دانشگاهی در قالب پایان‌نامه و مقاله علمی- پژوهشی باموضوع نقد بوم‌گرایانه در دیوان اعتصامی دیده نشده است.

بحث

بسیاری از اشعار پروین حالتی مناظره گونه دارند و این مناظره‌ها هر محیط و شرایطی را توصیف میکند و این نشان‌دهنده توجه او به جزئیات و دغدغه‌مند بودن اوست. بنظر میرسد که پروین از جمله دوستداران طبیعت بوده

و خود را جزئی از طبیعت میدانسته و این موضوع به‌خوبی در نگرانیهای او برای طبیعت و حفظ آن و حتی نکوهش انسان به دلیل ظلمهایی که برای رسیدن به منافع خود در برابر طبیعتی که بسان مادر اوست انجام داده مشهود است. گویی پروین خود را مادر طبیعت میدانند که برای هر ذره ذره وجودی از او و اجزای آن نگران است، نگران آینده فرزندی که به دست انسانیهایی که از دید او ناسپاس هستند، سپرده شده؛ گاهی بسان مادر مهربان فرزند زیباروی خود را توصیف میکند و به آن عشق میورزد. پروین شاعری طبیعتگرا است و اشعار او این موضوع را به خوبی به تصویر میکشد، او خواهان احترام به زمین، طبیعت و اجزای آن است و نگاه اقتصادی و سلطه‌جویانه ندارد و این امر را نیز نکوهش میکند. از دید او، آنها را به اندازه هر موجود دیگری شایسته محبت، لطف و مهربانی‌اند؛ البته اشعار طبیعت محور او خالی از درد و رنج نیست و گله‌مندی او از انسانها و جفای آنها در حق طبیعت مشهود است.

جدای از طبیعت‌دوستی او، پروین طبیعت را معلمی میدانند که با هر تغییر خود درسی می‌آموزد و راه و روش زندگی درست را از طریق اجزای آن یاد میدهد. یاد میدهد که زیبایی همیشه ماندگار نیست و خزانی هم هست، یاد میدهد که عمر گل با همه زیباییش کوتاه است، لذت بردن از زندگی را لازم و عزلت نشینی را نهی میکند. یاد میدهد که پر پرواز پرنده را نباید چید و طبیعت با متعلقات خود زیباست. تصویر پردازیهای پروین آنقدر واضح ملموس است که طراوت و لطافت آن را گوشت و پوست خود میتوان احساس کرد. بازنمایی طبیعت در آثار پروین خیال‌انگیز و یا ذهنی نیست و طبیعت را کاملاً بر اساس واقعیت توصیف کرده است و صرفاً از جلوه و منظر زیبایی به آن ننگریسته و بعضی از عوامل آن را آسیب‌زننده و تخریب‌کننده تلقین کرده؛ به عبارت دیگر گاهی طبیعت را تخریب‌کننده خود دانسته مانند انسانی که میدانند که تمام اعضای بدن اوست که به او حیات می‌بخشد اما گاهی دچار یک مازوخسیم (masochism) میشود؛ و این نشان‌دهنده ذوق و روح لطیف اوست که هر مظهری از طبیعت برای او رنگ خاصی دارد. درنهایت پروین از طبیعت به عنوان تخته‌سیاه کلاس درس استفاده میکند تا به‌وسیله آن مفاهیم اخلاقی و درس زندگی دهد و آن را منبع الهام تلقی کند. اجزای طبیعت را نمادین استفاده میکند تا با ایجاد فضایی آرام و دلنشین پندهایی موثر بدهد.

نقد بومگرا

نقد بومگرا که در ابتدا به تعریف آن پرداختیم، «به ارتباط میان ادبیات و محیط‌زیست یا چگونگی انعکاس ارتباط انسان با محیط فیزیکی در ادبیات میپردازد. در نقد بومگرا، ادبیات در یک سو و محیط‌زیست در سوی دیگر قرار دارد. بدیهی است موضوع نقد بومگرا موضوعی میان رشته‌ای است و مباحثی که در این رشته مطرح میشود آمیزه‌ای از مباحث مادی (در اکولوژی) و مسائل معنوی است که هر دو یک هدف را دنبال میکنند و آن کمک به حفظ و بقای انسان است. (پارساپور، ۱۳۹۲: ۸۸) در حال حاضر اهمیت این رشته با چند دهه گذشته قابل مقایسه نیست؛ زیرا در این چند دهه اهمیت پرداختن به محیط زیست و مسائل آن بسیار افزایش پیدا کرده؛ به‌گونه‌ای که در صدر دغدغه‌ها و نگرانیهای بشر قرار گرفته است. بشر تا چندی پیش تنها به خطرهای ناشی از بلایای طبیعی و موانعی که طبیعت بر سر راه آسایش و راحتی و لذت او قرار میداد، می‌اندیشید، اما اکنون تباهیها و خطراتی که خود او با پیشرفت تکنولوژی و استفاده بی‌رویه از طبیعت به‌وجود آورده است نیز او را به‌شکلی جدی تهدید میکند.

پروین اعتصامی

در زمستان سال ۱۳۸۵ شمسی در خانه یوسف اعتصامی در شهر تبریز دختری چشم به عرصه جهان گشود که در

میدان ادب و حکمت گوی سبقت از همبازیهای زمان خود در ربود و همچون ستاره‌ای درخشان در آسمان ادب پارسی درخشید. اعتصامی از کودکی زبانهای فارسی و انگلیسی و عربی را نزد پدرش آموخت و از همان کودکی زیر نظر پدر و استادانی چون علی‌اکبر دهخدا و محمدتقی بهار سرودن شعر را آغاز کرد. پدرش، میرزا یوسف خان اعتصامی آشتیانی، شاعر و مترجم بود و در شکل‌گیری زندگی هنری پروین و کشف توانایی‌ها و ذوق و گرایشش به شعر نقش مهمی داشته است. اعتصامی در بیست و هشت سالگی ازدواج کرد؛ اما به خاطر اختلاف فکری با همسرش، پس از چندی از او جدا شد. پس از جدایی مدتی در کتابخانه دانشسرای عالی تهران به کتابداری مشغول شد. یگانه اثر چاپ و منتشرشده از پروین دیوان اشعار او است، که دارای ۶۰۶ شعر شامل اشعاری در قالبهای مثنوی، قطعه و قصیده است. شعرهای پروین پیش از چاپ به صورت مجموعه و کتاب، در مجله بهار و منتخبات آثار از ضیاء هشرودی و امثال و حکم از دهخدا، چاپ میشدند. موفقیت اولین چاپ دیوان اشعار او سبب پیدایش زمینه برای چاپهای بعدی شعرهای او شد. اعتصامی پیش از چاپ دومین نوبت از دیوان اشعارش، بر اثر بیماری حصبه در سی و پنج سالگی در تهران درگذشت و در حرم فاطمه معصومه، در آرامگاه خانوادگی، به خاک سپرده شد. زادروز او روز بزرگداشت پروین اعتصامی نامگذاری شده است.

اعتصامی از پیروان «جریان تلفیقی» است. اشعار او اغلب از حوادث و اتفاقات شخصی و اجتماعی خالی‌اند. در میان اشعار او، شعری وجود ندارد که با کمک آن بتوان صراحتاً شخص شاعر را شناخت. شعر اعتصامی از دیدگاه طرز بیان مفاهیم و معانی، بیشتر به صورت «مناظره» و «سؤال و جواب» است. در دیوان او بیش از هفتاد نمونه مناظره آمده که وی را از این لحاظ در میان شاعران فارسی برجسته ساخته است. این مناظره‌ها نه تنها میان انسانها و جانوران و گیاهان، بلکه میان انواع اشیا — از قبیل سوزن و نخ — نیز اتفاق می‌افتد. اعتصامی در بیان مقاصد خود از هنرهای «شخصیت‌بخشی» و «تخیل» و «تمثیل»، با شیوایی کم‌نظیری استفاده بسیار کرده است.

پروین اعتصامی از معدود شاعرانی است که نه تنها در دوران خود، بلکه در نسلهای بعد نیز مورد تحسین و تمجید بسیاری از ادیبان و بزرگان ادب فارسی قرار گرفته است. از نگاه استادان و پژوهشگران، او شاعری توانا با زبانی شیوا و فکری ژرف بود که توانست سنتهای شعر کلاسیک را با مضامین اجتماعی و انسانی در هم بیامیزد.

پروین اعتصامی علاوه بر روحیه لطیف شعری، روحیه مقابله با استبداد داشت. رضاشاه به پروین پیشنهاد تدریس به ملکه و فرزندان او را داد، اما پروین این پیشنهاد را نپذیرفت. روحیه ایستادگی در مقابل استبداد به پروین اجازه حضور در دربار رضاشاه را نمیداد. پروین در نوزدهم تیرماه سال ۱۳۱۳ با پسرعموی پدر خود که از افسران پلیس و رئیس شهربانی کرمانشاه بود ازدواج کرد اما چون بینش و شخصیت و محیط زندگی این دو باهم تفاوت داشت و به نوعی نابرابر بود در نهایت به متلاشی شدن زندگی زناشویی آنها انجامید. سرانجام در سوم فروردین سال ۱۳۳۰ به بستر بیماری افتاد و در نهایت در شانزدهم همان ماه بدرود حیات می‌گوید.

تحلیل مولفه‌های بوم‌گرایانه در اشعار پروین

طبیعت‌ستایی

ستایش طبیعت در شعر پروین اعتصامی بیشتر در قالب تصویر پردازیهای دقیق و پرمعنا و همچنین شخصیت‌سازی از عناصر طبیعی در قالب تشخیص برای بیان مفاهیم اخلاقی و اجتماعی نمود پیدا میکند. پروین با دقت و ظرافت خاصی جزئیات طبیعت را توصیف میکند. گلها، برگها، جویبارها و سایر عناصر طبیعی را به وسیله ویژگیها و اهمیتشان در طبیعت توصیف میکند و همچنین توصیف بهاریه و نوروز در شعر پروین به چشم می‌خورد.

دمی کز باد فروردین شکفتم به دامان تو روزی چند خُفتم
 نسیمی دلکشم آهسته بنشانند مرا بر تن حریر سبز پوشاند
 من آن گه خُرّم و فیروز بودم نخستین مژده نوری بودم
 (اعتصامی، ۱۳۸۴: ۱۹۷)

او در مواجهه با عناصر طبیعت مانند نوروز احساس خوشایندی دارد و برای «نسیم» صفت «دلکش» بکار میبرد که حاکی از دوستداری و علاقه‌مندی درونی به طبیعت و زیست‌بوم است. در مناظره‌ای دیگر که در قالب گفت‌وگو میان بلبل و ماه شکل میگیرد به ویژگی ارزنده «ماه» برای زمین و اهالی آن اشاره میکند و ماه را امیدبخش و زمین را تابناک مینامد:

به دامان گلستانی شبانگاه چنین می‌کرد بلبل راز با ماه
 که ای امیدبخش دوستداران فروغ محفل شب‌زنده‌داران
 ز پاکت آسمان را فر و پاکی ز انوارت زمین را تابناکی
 (همان: ۲۱۲)

پروین از انواع گلها در شعر خود با رویکردی مثبت یاد کرده است. او تمام گلها را زیبا میداند و با شخصیت بخشیدن به نرگس این نکته را بیان میدارد که در طبیعت هر گلی دارای زیبایی و عشوهِ است و تفاوتی میان لاله و نرگس و بنفشه و شکوفه درختان نیست و هر کدام در زمان خود صاحب هنر و زیبایی است:

به لاله نرگس مخمور گفت وقت سحر که هر که در صف باغ است صاحب هنریست
 بنفشه مژده نوری می‌دهد ما را شکوفه را ز خزان و مهرگان خبریست
 میان لاله و نرگس چه فرق هر دو خوشند که گل به طرف چمن هر چه هست عشوهِ گریست
 (همان: ۱۵۹)

شخصیت‌پردازی پروین و مناظره بین گل و بلبل در این شعر حائز اهمیت است، و این امر که پروین چگونه زیبایی گلستان را از دید خود و از زبان گل بیان کرده نشان از توجه او به جزئیات دارد:

گفت: فردا به گلستان باز آی تا ببینی چه تماشایی هست
 گر که منظور تو زیبایی ماست هر طرف چهره زیبایی هست
 پا به هر جا که نهی برگ گلی است همه جا شاهد رعنائی هست
 (همان: ۱۷۷)

اقبال خوب انسان و فرصتهای خوب، زندگی را مانند روزهای عید زیبا و دلنشین میکند و انسان نیز همواره خواهان اقبال خوب بوده است.

طبیعت یاددهنده

طبیعت یاددهنده اصطلاحی است که به الهام‌بخش بودن و تاثیرگذاری طبیعت بر انسان اشاره دارد. در واقع از طبیعت به عنوان یک معلم یاد میشود که قصد دارد درسهای ارزشمندی در زمینه‌های اخلاق، فلسفه و حتی زندگی روزمره به انسان یاد دهد که این منجر به رشد شخصی هر فرد نیز میشود. طبیعت، انسان را به درک عمیقی از

فلسفه وجودی خود و جهان اطرافش میرساند و در نهایت انسان را به پاسخ چگونگی درست زندگی کردن، چگونگی برخورد با مشکلات و... میرساند و به مایاد میدهد که چگونه برای جهان اطرافمان تاثیرگذار باشیم:

در نمونه زیر شاعر اشاره به همبستگی و همدلی ذاتی و بدون چشمداشت به نوع یا گونه حیوانات دارد که تحت هر شرایطی باید یاور و مدد رسان یکدیگر باشند جایی که زاغ در ساختن آشیان به کمک کبوتر میشتابد:

گذشت بر در آن لانه شامگه زاغی طبیب گشت چو رنجوری کبوتر دید
برفت و خار و خس آورد و سایبانی ساخت برای راحت بیمار خویش بس کوشید

(اعتصامی، ۱۳۸۴: ۲۸۴)

تلاش و کار بر حسب وظیفه‌ای که طبیعت به دوش هر موجودی باز نهاده باعث رضایتمندی درونی میشود. این موضوع در قطعه «بلبل و مور» از زبان مور بیان میشود که در دفاع از کوشش شبانه‌روزی خود به مخاطب می‌آموزد که باید به هر چیزی که از روزگار و فلک به عنوان روزی برای انسان مقدر شده قانع بود:

ساخته‌ام بام و در خانه‌ای تا نروم بر در بیگانه‌ای
کارگر خاکم و مزدور باد مزد مرا هرچه فلک داد داد
لانه بسی تنگ و دلم تنگ نیست بس هنرم هست ولی ننگ نیست
سر نهاده‌یم به بالین کس بالش ما همت ما بود و بس

(همان: ۱۹۱)

در قطعه‌ای دیگر «حدیث مهر» مناظره بین کبوتر و گنجشک، این آموزه مطرح میشود که یکجانشینی و کنج عزلت خوشایند نیست. باید از طبیعت لذت برد و آن را لمس کرد. پروین معتقد است با طبیعت زندگی باید کرد:

گنجشکی خرد گفت سحر با کبوتری کاخر توهم برون کن ازین آشیان سری
آفاق روشن است چه خسی به تیرگی روزی بپر ببین چمن و جوئی و جری
در طرف بوستان دهن خشک تازه کن گاهی ز آب سرد و گه از میوه تری

(همان: ۲۳۵)

سخت نگرستن زندگی و لذت بردن از آن مثل قاعده یا قانونی در شعر تمام شاعران در تمام دورانها بوده و پروین نیز از این قاعده مستثنی نیست و این امر در شعر او نیز مشاهده میشود. برای نمونه در مناظره طوطی و جغد از زبان طوطی میشنویم:

به جغد گفت شبانگاه طوطی از سر خشم که کار سخت ، ز کار آگهی شدست آسان
چرا ز گوشه عزلت، برون نمی‌آیی جهان به خوشتن چه او افتاده که از خلق می‌شوی پنهان
ای دوست خیره سخت مگیر بیا به خانه ما ، باش یک شبی مهمان
برو به سیر گهی تازه ، صبحگاهی خوش که چند بایدت این‌گونه زیست سرگردان

(همان: ۲۸۶)

گاه شاعر سرزنش را موثر میبیند و آن را اعمال میکند. الگو قرار دادن دیگران را برای زندگی بهتر و اداره وقت و زمان لازم میبیند؛ به گونه‌ای که حتی زیستن سرگردان را برای حیوانات شایسته نمیبیند. عزلت و گوشه‌نشینی و دور افتادن از خلایق را نهی میکند؛ چرا که حیوانات و پرنده‌ها را نیز مانند انسان اجتماعی تلقی میکند.

قناعت و سبک زندگی مستقلانه را از دید پروین باید از مورچه‌ها آموخت که خود را از ملک سلیمان نیز بی‌نیاز میدانند.

بگفت از سور ، کمتر گوی با مور که موران را قناعت خوشتر از سور
چو اندر لانه خود پادشاهند نوال پادشاهان را نخواهند
(همان: ۱۲۴)

زندگی هیچگاه خالی از مشکلات نیست و در کنار زیبایی و آسودگی، زشتی و سختیهای خود را دارد همانند طبیعت
که در کنار گلهای زیبایش خارهایی دارد که در دست مینشیند:

خلید خارِ درشتی به پای طفلی خُرد به هم برآمد و از پویه بازماند و گریست
بگفت مادرش این رنج اولین قدم است ز خار حادثه تیه وجود خالی نیست
(همان: ۲۷۳)

زمینه‌های طبیعی

مکان یا زمینه‌ای که داستان یا شعر در آن در حال وقوع است اهمیت بسزایی در تصویرسازی مخاطب دارد. بنابراین توجه به جزئیات مکان از جمله رنگها، اشیاء موجود در مکان بسیار مهم است. «نقش مکان و موقعیت در شکلگیری وقایع در داستان اهمیت بسیاری دارد، تا جایی که نوع واقعه و حادثه را مکان تعیین میکند. برای اثبات این موضوع به تقسیم‌بندی خاصی که بوم‌گرایان از مکان دارند، اشاره میکنیم. در نقد بوم‌گرا، مکان به تناسب اینکه رنگ فرهنگ یا طبیعت گرفته‌باشد یا نه، در نوع واقعه‌ای که در آن شکل میگیرد تاثیرگذار است. مکانها را از حیث فرهنگی یا طبیعی بودن به چهارگونه تقسیم میکنند:

ناحیه یک: طبیعت بکر و وحشی (بیابانها، اقیانوسها و دیگر سرزمینهای غیرمسکونی)

ناحیه دو: مناظر باشکوه و دیدنی (جنگلها و دریاچه‌ها، کوه‌ها، صخره‌ها، آبشارها)

ناحیه سه: حومه و نواحی روستایی (تپه‌ها، مزارع، بیشه‌ها)

ناحیه چهار: دیدنیهای درون شهری (پارکها، باغها و کوچه‌ها) «(پارساپور، ۱۳۹۲: ۱۱۶)

ایجاد منظره‌های طبیعی یا زمینه‌ای با محور طبیعت به زیبایی و تاثیرگذاری بیشتر داستان می‌افزاید حتی اگر در قالب صورخیال باشد. مکان یکی از مولفه‌های اصلی در زمینه شعر و حتی داستان است؛ زیرا در وهله اول به شاعر یا نویسنده این امکان را میدهد که داستان یا شعر خود را با محوریت آن کامل کند و جزئیات مکان نیز توجه داشته‌باشد و در مرتبه دوم به خوانندگان این امکان را میدهد که تصویرسازی بهتری از قلم شاعر یا نویسنده داشته‌باشند.

در بین تقسیم‌های چهارگانه، در اینجا پروین اشاره به مکان بکر (آبگیر) دارد یعنی همان ناحیه اول:

در آبگیر سحرگاه بط به ماهی گفت که روز گشت و شناکردن و جهیدن نیست
بساط حلقه و دام است یکسر این صحرا چنین بساط دگر جای آرمیدن نیست
(اعتصامی، ۱۳۸۴: ۲۵۷)

در اینجا اشاره به ناحیه سوم (مزارع و بیشه‌ها) دارد. فضای مزرعه و کشت گندم در اینجا به خوبی بیان شده است:

جهان‌دیده کشاورزی به دشتی به عمری داشتی زرعی و کشتی
به وقت غله خرمن توده کردی دل از تیمار کار آسوده کردی
(همان: ۱۶۷)

در نمونه دیگر اشاره به ناحیه چهار (باغ) مشهود است:

مرغی نهاد روی بیاغی ز خرمنی ناگاه دید دانه لعلی به روزنی
(همان: ۱۷۴)

به طور کلی طبیعت بکر در شعر پروین غالبتر است و پروین به طبیعت بکر و دست‌نخورده توجه زیادی نشان می‌دهد:

گفت ماهی‌خوار با ماهی ز دور که چه می‌خواهی از این دریای شور
(همان: ۲۲۳)

طبیعت‌باوری

طبیعت، منبع الهامات و یادگیری است. جایی است که انسان بوسیله آن به رشد و تکامل میرسد. بسیاری از اعتقادهای انسان برگرفته از همین طبیعت است. طبیعت به‌نوعی درمانگر است و با تاثیراتی که بر روان آدمی دارد به زندگی مادی انسان نیز بسیار کمک میکند.

به آب روان گفت گل کز تو خواهم که رازی که گویم به بلبل بگویی
پیام ار فرستد پیامش بیاری به خاک ار درافتد غبارش بشویی
(همان: ۲۱۰)

پروین آب را پیام‌آور و پاک‌کننده آلودگی میدانند. این موضوع که «آب پاک‌کننده است» نیز در واقعیت یک اعتقاد است. مردم در بسیاری از موارد به طبیعت و کائنات اعتقاد دارند.

-طبیعت درمانگر:

طیب باد صبا را بگوی از ره مهر که تا دوا کند این درد ناگهانی را
(همان: ۲۰۰)

باد صبا در ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی جایگاه ویژه‌ای دارد. در ادبیات، از باد صبا به‌عنوان پیام‌آور عشق و رازهای عاشقان یاد میشود. بادصبا در فرهنگ عامه نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و به عنوان بادی که خوش‌یمن است، شناخته‌میشود. پروین نیز از این باد به‌عنوان بادی از جنس مهر و لطافت است یاد میکند که میتواند درمانگر باشد.

حیوان‌دوستی

حیوان‌دوستی در زبان فارسی به‌طور کلی به معنای علاقه‌مندی و مهربانی نسبت به حیوانات است و این علاقه‌مندی شامل طیف رفتاری مثبت، از جمله: غذا دادن، نگهداری و مراقبت از حیوانات بی‌سرپرست، حمایت از حقوق حیوانات و نهی شکار آنها میباشد. افراد حیوان‌دوست، به‌طور طبیعی به حیوانات علاقه دارند و از بودن در کنار آنها لذت می‌برند. این علاقه میتواند به حیوانات خانگی، حیات وحش یا حیوانات در اسارت گسترش یابد. در دیوان اعتصامی علاقه‌مندی برای حیوانات بیشتر در قالب هراس برای آینده آنها از رفتارهای انسان است. پروین در قطعه‌ای مشهور دلتنگی خود برای گربه خانگی‌اش را چنین بیان میکند:

ای گربه ، ترا چه شد که ناگاه رفتی و نیامدی دگر بار
بس روز گذشت و هفته و ماه معلوم نشد که چون شد این کار
جای تو شبانگه و سحرگاه در دامن من تهی است بسیار
(اعتصامی، ۱۳۸۴: ۱۸۲)

این سروده پروین برای گربه گم‌شده‌ای است که به خانه بازنگشته و پروین احساس علاقه‌مندی و تعلق خاطر خود را به او نشان می‌دهد.

این کبوتر که تو بینیش چنین بی‌خود شاهبازیش گرفته‌ست به چنگ اندر
(همان: ۱۱۷)

این کبوتر که میبینی اینگونه به خود میپیچد به خاطر این است که آزادیش از او گرفته شده و در بند شهبازی است. پروین با نشان دادن نگرانی خود برای کبوتر، به حیوانات ابراز علاقه میکند.

نکو خانه‌ای ساختی ای کبوتر ندیدی که با باز هم‌آشیانی
(همان، ۱۵۴)

پروین برای کبوتری که از روی غفلت با باز هم‌آشیانه شده ابراز نگرانی میکند و انگار آزادی کبوتر را از دست‌رفته میداند.

شکارستیزی

شکار از جمله واژه‌هایی است که معمولاً بار معنایی منفی دارد و اغلب در معنای قدرت، خشونت، بی‌رحمی، ازبین بردن منابع طبیعی، آزار، تسلط، فریب حیوانات برای رسیدن به منافع شخصی بکار میرود. حالا اگر بخواهیم پیشینه شکار را به‌طور کلی در ادوار مختلف بررسی کنیم باید گفت که «در ایران قبل از اسلام، شکار به‌عنوان یک نیاز، مهارت و سپس رسمی به‌شمار می‌آمد که هم از طرف شاهان و هم از طرف مردم عادی انجام می‌گرفت.» (آدینه‌وند و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۶) بعد از اسلام در ایران به‌ویژه با شکل‌گیری حکومت‌های ملی و محلی بسیاری از آداب و رسوم سلطنتی ابقاء و اجرا شد که شکار نیز یکی از آنان بود. این سنت به خوبی در دیوانهای شعری بازتاب داده شده که به شعر نخجیرگاهی معروف است. (همان، ۴۷)

موضوع شکار در ادبیات گاه واقع‌گرایانه و گاه استعاری است؛ برای مثال در ادبیات غنایی، شکار در معنای استعاری خود یعنی معشوق به‌کار میرود؛ اما در ادبیات معاصر نگاه شاعران به شکار با دید انتقادی و بیان حفظ محیط‌زیست و حیوانات مطرح میشود. پروین آزار حیوانات را برای لذت بردن یا زورآزمایی و نشان دادن قدرت نهی میکند و آرامش و زندگی راحت را برای حیوانات طلب میکند.

مرا در دام‌ها بسیار بستند ز بالم کودکان پرها شکستند
گه از دیوار سنگ آمد و گه از در گهم سرپنجه خونین شد گهی سر
(اعتصامی، ۱۳۸۴: ۱۶۶)

در جایی دیگر پروین به تصویرسازی در دام افتادن مرغ و زخمی شدن آن توسط دام صیاد می‌پردازد. پروین در بسیاری از اشعار خود به دام افتادن حیوانات را به‌تصویر میکشد. نکته قابل تأمل بکاربردن صفت «سیه‌دل» برای «صیاد» است که موضع پروین را در قبال شکار حیوانات نشان می‌دهد:

صیاد سیه‌دل از کمین جست تا صید ضعیف گشت بی‌جان
در پهلوی آن فتاده بنشست آلوده به خون مرغ دامان
(همان: ۱۶۹)

انسان در گذشته از طبیعت برای زندگی بهتر خود کمک می‌گرفت و خبری از ضربه زدن به طبیعت و از بین بردن و نابود کردن نبود. صرفاً برای امرار معاش زندگی خود به شکار حیوانات می‌پرداخت اما انسان کنونی اینگونه نیست.

از دید پروین نگاه انسان به طبیعت نگاه منفعت‌طلبانه و سودجویانه است و به همین دلیل در حال ضربه زدن به طبیعت و حیوانات است و این دیدگاه را به خوبی در شعر «درخت بی‌بر» نشان داده‌است:

آن قصه شنیدید که در باغ یکی روز از جور تبر زار بنالید سپیدار
کز من نه دگر بیخ و بنی ماند و نه شاخی از تیشه هیزم‌شکن و اره نجار
(همان: ۲۴۲)

استفاده ابزاری انسان از اجزای طبیعت همواره مورد نکوهش پروین بوده و این موضوع را اینگونه بیان میکند که چرا ما باید به چیزی آسیب بزنیم که هیچ آزاری از او ندیده‌ایم؟

به الماس می‌زد چکش زرگری به هر لحظه می‌جست از آن اخگری
بنالید الماس کای تیره‌رای ز بیداد تو چند نالم چو نای
بجز خوبی و پاکی و راستی چه کردم که آزار من خواستی
(همان: ۲۴۳)

گاهی حیوانات برای حفظ جان و زندگی خود در برابر دام و تله‌های انسان ناگزیرند که هوش و ذکاوت خود را کار گیرند:

داد آگهیت چنان‌که دانی از زحمت حبس و فتنه دام
آموخت همی که تا توانی بی‌گاه مبر به برزن و بام
(همان: ۶۳)

ابزار شکار

ابزار شکار در اشعار پروین بیشتر شامل ابزار سنتی از جمله تیر و کمان، دام، تله و قفس می‌باشد:

پیکان و تیر و کمان

فتاد طائری از لانه و ز درد تپید به زیر پر چو نگه کرد دید پیکانی است
کسی که بر رگ من تیر زد نمی‌دانست که قلب خرد مرا هم ورید و شریانی است
(اعتصامی، ۱۳۸۴: ۳۳۱)

به تصویر کشیدن تیر خوردن پرنده نشان از علاقه‌مندی پروین به حیوانات است. همچنین پروین از این طریق اعتراض خود را به شکار حیوانات اعلام می‌کند. پروین حیوانات را مانند انسان دارای روح و رگ و پی میداند و آنها را هم دارای شخصیت مستقل میداند.

چو کبوترچه پرواز مکن فارغ که به پروازگه تست قضاء شاهین
ز کمان قدر آن تیر که بگریزد کُشدت گرچه سراپای شوی روئین
(همان، ۱۴۲)

پروین معتقد است باید با احتیاط زندگی کرد تا از تیر فضای روزگار آسوده بود.

قفس

حیوانات نیز برای خود فرهنگی دارند که با تغییر شرایط محیطی این فرهنگ آسیب می‌بیند و تغییر میکند و از جمله اینکه انسان اگر حیوانی را از محیط طبیعی خودش دور کند و برای استفاده به شهر یا باغ وحش بیاورد یا آن را اهلی کند، فرهنگ این حیوان دیگر محصول فرهنگ جامعه انسانی است و در صورتی که مجدداً آن را به

محیط طبیعی خود برگردانیم قادر نخواهد بود زندگی طبیعی خودش از جمله در هنگام شکار داشته باشد. (پارساپور ، ۱۳۹۲: ۵۷) از همین رو به قفس انداختن آنها نوعی آزار و آسیب به طبیعت است.

بلبلی گفت به کنج قفسی که چنین روز مرا باور نیست
آخرین فتنه سیه‌کاری کیست گر که کارِ فلکِ اخضر نیست
آن چنان سخت ببستند این در که تو گویی که قفس را در نیست
(همان ، ۲۵۵)

جفای انسان برای استفاده از زیبایی حیوانات و حبس کردن آنها از دید پروین غیرقابل باور است و مدام انسان را مایه نابودی طبیعت و متعلقات آن از جمله حیوانات میدانند.

کرد ای طائر وحشی که چنین رامت؟ چون به کنج قفس افکند قضایت چون؟
(همان ، ۳)

دام و تله

قیمت بحر در آن لحظه بداند ماهی که به دام ستم انداخته در بر گردد
(همان ، ۱۰۵)

همه صید صیادِ چرخیم روزی برای که این دام می‌گسترانی
(همان ، ۱۵۲)

شاعر با استفاده از تمثیل، این موضوع را که انسان باید قدر لحظه‌های خویش را بداند به‌خوبی نشان می‌دهد که به همان موضوع طبیعت یاددهنده نیز برمیگردد. پروین در نمونه زیر علاقه‌مندی خود را به حیوانات در قالب نگرانی برای آینده آنها نشان می‌دهد و معتقد است که برای بقا و زندگی باید رمیدن را یادگرفت.

کبوتر بچه‌ای با شوق پرواز به جرأت کرد روزی بال و پر باز
پرید از شاخکی بر شاخساری پرید از بامکی بر جوکناری
نمودش بسکه دور آن راه نزدیک شدش گیتی به پیش چشم تاریک
(همان ، ۱۶۵)

توصیفات پروین از جزئیات زندگی حیوانات در طبیعت و مشکلاتی که آنها در زندگی روزمره خود دارند حاکی از تمایل او به حیوانات و زندگی آنهاست.

بومهراسی

بومهراسی یا اکوفوبیا (Ecophobia) از رویکردهای مطرح و نوین در نقد بومگرا و اخلاق زیست‌محیطی است. این اصطلاح را اولین بار سیمون استاک (Simon C. Estok) در ارتباط با محیط‌زیست و به‌معنای (ترس و نفرت غیر منطقی از طبیعت) مطرح کرد. در خوانش اکوفوبیک سوگیریهای ناخواسته انسان نسبت به محیط‌زیست که مبتنی بر ترس و نفرت غیرمنطقی از مظاهر زیست‌محیطی شکل گرفته‌است در آثار ادبی بررسی می‌شود. فرض اصلی این رویکرد این است که اکوفوبیا از دوگانه خود/دیگری نشأت می‌گیرد و درنهایت به‌نوعی بیگانه‌ستیزی در سایه ترس غیرمنطقی از دیگری منجر می‌شود. (عاطفه‌پور - پارساپور ، ۱۴۰۲: ۱۰۷) « طبیعت دارای جنبه‌های مثبت و منفی یا بُعد تاریک و بُعد روشن است. به عبارت دیگر، طبیعت علاوه بر مزیت‌های بیشماری که برای انسان دارد که گاه از کنترل انسان خارج و پیشبینی‌ناپذیر است. با آنکه هدف اصلی و کاربردی نقد بومگرا بررسی تأثیر

مخرب انسان در طبیعت در آثار ادبی است، بررسی این آثار از منظر تأثیر طبیعت در زندگی، هویت و سرنوشت انسان نیز حائز اهمیت است. (حبیبی نسامی، ۱۳۹۳: ۹۹)

«به طور کلی موارد متعددی می‌تواند در آثار ادبی منعکس شود که باعث هراس انسان از طبیعت و دوری از آن گردد و یا انسان را در تقابل با آن قرار دهد. این موارد را در سه گروه اصلی می‌توان قرار داد.

گروه اول:

فوبیا نسبت به پدیده‌های طبیعی و واقعی (ترس از حوادث ویرانگر طبیعی، ترس از پدیده‌های واقعی و حیوانات، ترس از برخی مکانهای ناشناخته طبیعی مثل جنگل، ترس از هیبت برخی از پدیده‌های طبیعی مثل کوه و دریاها)

گروه دوم:

فوبیا نسبت به پدیده‌های اسطوره‌ای، تاریخی و یا توهمی (ترس از جن و پری، ترس از مکانهای تخیلی مثل جهنم، ترس از موجودات منقرض شده و یا موجودات فضایی)

گروه سوم:

فوبیا نسبت به فجایع زیست‌محیطی (ترس از آلودگی گسترده آبها و دریاها، ترس از انباشت زباله‌ها، ترس از انقراض گونه‌ها، ترس از افسارگسیختگی تکنولوژی و هوش مصنوعی). (عاطفه پور - پارساپور، ۱۴۰۲: ۱۳۵-۱۳۶) که در ادامه صرفاً به توضیح گروه اول خواهیم پرداخت.

گروه اول: فوبیا نسبت به پدیده‌های طبیعی واقعی

از شاخصترین آنها می‌توان به ترس از حوادث ویرانگر طبیعی مثل سیل، زلزله، طوفان، خشکسالی و گرما اشاره کرد.

باد و طوفان

باد در بسیاری از شعرها به‌عنوان پیام‌آور بهار و مایه طراوت و شادابی طبیعت تلقی شده است اما در خوانش بومهراسانه باد مظهر ویرانی و موجب ترس و دلهره تلقی می‌شود. باید توجه داشت که نحوه توصیف طبیعت متناسب با فضای داستان و حال و هوای شخصیتها تغییر میکند؛ یعنی نگاه نویسنده به پدیده‌هایی که به نوعی برای شخصیت خاصی از داستان ایجاد مزاحمت کند منفی است. (پارساپور ۱۳۹۲: ۱۲۲) در مورد زیر باد اعمالی انجام میدهد که خوشایند نیست از جمله: خراب کردن، شکستن، فروریختن، لرزاندن و تباہ کردن:

بادی وزید و لانه خردی خراب کرد بشکست بامکی و فرو ریخت بر سری
لرزید پیکری و تبه گشت فرصتی افتاد مرغکی و ز خون سرخ شد پری
(اعتصامی، ۱۳۸۴: ۱۸۹)

در این شعر پروین به همین موضوع اشاره دارد و به نوعی باد را «خانه خراب‌کن» توصیف کرده چرا که باعث ویرانگری و حتی از بین رفتن حیوانات نیز می‌شود.

گل دو سه روزیست ترا میهمان می‌بردش فتنه باد خزان
(همان، ۱۹۱)

پروین باد پاییزی را ویرانگر طبیعت سبز و خرم میداند و آن را آشوبگر توصیف میکند گویی باد دشمن بهار و زیباییهای اوست.

سموم فتنه چو باد سحرگهی نوزد به جز نشان خرابی در آن وزیدن نیست
(همان، ۲۵۷)

در شعر پروین از **طوفان** به صورت نمادین یاد شده است و «طوفان» نماد سختی‌ها، مشکلات، ناآرامی‌ها است و همچنین که از طوفان به عنوان یکی از عناصر مخرب در دریا یاد میکند که باید از آن اندیشه کرد. (اندیشه=ترس) موج و طوفان و نهنگ است این دریا باید اندیشه کند زین همه کشتیبان (همان، ۱۳۴)

ای شده شیفته گیتی و دورانش دهر دریاست بیندیش ز طوفانش (همان، ۱۱۹)

برف و تگرگ

در اشعار پروین برف و تگرگ از دید دیگری توصیف میشوند. آنها همانند باد چندان با عنوان زیبایی توصیف نمیشوند. بلکه با اعمالی همچون «آسیب» و «خون‌ریزی» همراهند:

جهانی سوخت ز آسیب تگرگی چه غم کز شاخکی افتاد برگی
چو تیغ مهرگانی برستیزد ز شاخ و برگ خون ناب ریزد
(همان: ۱۹۸)

در اینجا پروین از تگرگ پاییزی به عنوان تیغی یاد میکند که بر شاخ و برگها تاخته و آنها را ویران کرده و خود طبیعت باعث آزار و نابودی خود شده است. در نمونه دیگر برف از زبان گلستان و باغ موجودی بیرحم تصور میشود که با بارش مداوم خود موجب هلاکت رویدنیها شده و بر گلها کفن پوشیده و همه چیز را شکسته و به همه زخم زده است:

به ماه دی گلستان گفت با برف که ما را چند حیران می‌گذاری
بسی باریده‌ای بر گلشن و راغ چه خواهد بود گر زین پس نیاری
بسی گلبن کفن پوشیده از تو بسی کردی به خوبان سوگواری
شکستی هر چه را دیگر نیپوست زدی هر زخم گشت آن زخم کاری
هزاران غنچه نشکفته بردی نوید برگ سبزی هم نیاری
(همان، ۱۹۴)

گلستانی زیبا و سرسبز که از آمدن زمستان و برفهایش گله دارد چون شکوفه‌های نورسیده‌اش را از او گرفته و سرسبزی‌اش را برده و همه‌جا را برای سوگواری بهاری که رفته کفن پوش کرده است.

خورشید و گرما

در شعر پروین هرچند نور و گرمای خورشید منبع انرژی است و زمین برای حیات خود به آن نیاز دارد اما تابش بیش از حد خورشید موجب «افسردگی» گلها میشود و مهر فروزنده میتواند نقش ویرانگری بگیرد که محیط زیست را تهدید به نابودی کند:

گل سرخ روزی ز گرما فسرد فروزنده خورشید رنگش ببرد
(همان، ۳۷۳)

آفتاب تابناک که همواره باعث رویش گیاهان است در اینجا به عنوان عاملی تخریب یاد شده است و نگاه به آفتاب دیگر به عنوان مادر طبیعت نیست.

ز چهرم بُرد گرما رونق و تاب نکرده جلوه رنگم شد چو مهتاب
(همان، ۳۸۰)

خشکسالی و باران

اگر یکسال گردد خشکسالی زبونی باشد و بدروزگاری
ازین پس باغبان آید به گلشن مرا بگذشت وقت آبیاری
(همان، ۱۹۵)

یکی دیگر از پدیده‌های ویرانگر که منظرهٔ سبز طبیعت را از جلوه می‌اندازد، پدیدهٔ زیست‌محیطی خشکسالی و باران است که در شعر پروین مفهومی شوم دارد؛ چون همراه خود «زبونی و بدروزگاری» به دنبال دارد. اندود نکرده‌ای و ترسم ویرانه شود ز برف و باران
(اعتصامی، ۱۳۸۱، ۲۱۷)

این شعر اشاره به اندود نکردن سقف خانه دارد و نگرانی که از برف و باران، به دنبال آن است صحبت میکند. با اینکه پدیدهٔ باران همواره با زیبایی در اشعار یاد میشود اما پروین نگاه مخربی به آن دارد.

تاریکی و شب

ترس از شب یکی دیگر از فوبی‌ها یا بومهراسیهایی است که پروین به آن اشاره کرده است. شب همواره مسئله‌ای وهم‌آمیز بوده و معمولاً حتی در ادبیات کودک هم با ترس و رعب از آن یاد میشود. در شعر پروین نیز هراس از شب با عباراتی چون «وحشت» و «درد» و «کابوس» مجسم شده است:

شب این وحشت و درد و کابوس و رنج سحرگاه آن آتش و آن شکنج
(همان، ۱۳۳)

پروین شب را مایهٔ زجر و عذاب برای بیمارانی توصیف میکند که خواب آسوده ندارند و از بیخوابی شکایت میکنند. ز بی‌خوابی شکایت کرد بیمار که شد نزدیک، رنج شب نخفتن
(اعتصامی، ۱۳۸۱، ۱۷۸)

دریا

پروین در اشعار خود از دریا و موجهای دهشت‌بارش یاد میکند. او معمولاً مشکلات و سختیهای زندگی را به دریا تشبیه میکند که هیچگاه نباید از این طوفانها غافل بود. «رابطهٔ انسان و دریا به زمان خلقت انسان بر روی کرهٔ زمین برمی‌گردد. دریا، به سبب آنکه تنها محیط غیرقابل سکونت برای انسان است، همواره محیطی پر رمز و راز و خاص به‌شمار می‌رود. باوجود اینکه دریا درطول تاریخ منبع با ارزشی برای تأمین غذای بشر بوده، همواره منشأ ترس و وحشت برای انسانها، ماهیگیران، خدمهٔ کشتیها، و مسافران، بوده‌است، زیرا یک سفر دریایی در همه حال آستان حوادث ناگوار و مرگبار دریایی است. دریا به‌منزلهٔ منبع ترس، اضطراب و عدم کنترل، نوستالژی، و وحشت مرکز توجه بسیاری از تحلیلهای ادبی است. انتخاب ساحل به‌منزلهٔ نزدیکترین محل به دریا مکانی در معرض خطر، تأکیدی است بر نقش کلیدی بُعد تاریک طبیعت دریا نسبت به محیطهای طبیعی دیگر.» (حبیبی نسامی، ۱۳۹۴: ۱۰۶)

ای شده شیفتهٔ گیتی و دورانش دهر دریاست بیندیش ز طوفانش
(اعتصامی، ۱۳۸۴: ۱۱۹)

پروین از دید دیگری به دریا نگاه میکند و مانند شاعران دیگر از زیباییهایش صحبت نمیکند. گویی تصویر آبی‌رنگ و آرامش دریا برای او رنگ باخته و فریب این آرامشهای قبل از طوفان دریا را نمیخورد. پروین معتقد است که نباید شیفته زیبایی دنیا شد چون عمر مثل دریایی است که نباید از طوفانهای آن غافل شد.

درین دریا بسی کشتی برفت و گشت ناپیدا
ترا اندیشه باید کرد زین دریای طوفانی
(همان، ۱۴۹)

دریاست دهر کشتی خویش استوار دار
دریا تهی ز فتنه طوفان نمی‌شود
(همان، ۱۱۰)

در جایی دیگر دریا که همیشه منبع روزی و برکت است، نمودی متفاوت از آن ارائه میشود بدین ترتیب که پروین از ماهیگیری میگوید که تمام شصت سال عمر خود را از دریا آسیب و آفت دید و تلاش کرد اما هیچ ماهی نصیب او نشد و تلاشش بی‌فایده بود.

شصت سال آفت این دریا دید
هیچ ماهیش نیفتاد به شست
(همان، ۲۰۵)

نتیجه‌گیری

اشعار پروین به نوعی با طبیعت گره‌خورده و هر شعری از او به نوعی یادآور طبیعت و اجزای آن است. همانطور که پیشتر هم اشاره شد، طبیعت از دیدگاه پروین نمادی از زندگی انسانها است و طبیعت به انسان راه زندگی بهتر را نیز نشان میدهد. همچنین که پروین طبیعت را دغدغه خود میدانسته و انسان را وادار به رفتار بهتر و حفظ آن میکند. انسان را جزئی از طبیعت میداند و برای طبیعت مانند یک انسان شخصیت قائل است. هرکدام از اجزای طبیعت از دیدگاه پروین نمادی در زندگی انسان دارد؛ برای مثال طوفان نشان از سختی زندگی یا تغییر فصل را نشان از گذر عمر میداند و به نوعی هرکدام از اجزای طبیعت را به زندگی انسان متصل میداند.

حیوان دوستی و نگرانی او برای آینده حیوانات در اشعار او مشهود است و در بسیاری از اشعار خود انسان را عامل آزار و اذیت و از بین رفتن انسانها میداند. گاهی آنقدر طبیعت‌دوستی او شدت میگیرد که از خود طبیعت برای آسیب زدن به خودش شکایت میکند؛ و گاهی این موضوع را حواله به تقدیر و قضا و قدر میکند.

دیدگاه پروین در طبیعت‌گرایی واقع‌گرایانه است و آن را بسیار خیال‌انگیز و دور از ذهن توصیف نمیکند. همچنین به واسطه مناظره حیوانات پندهای خود را بیان میکند. اشعار او طبیعت و عناصر او را به قدری دقیق و واضح ترسیم کرده‌اند که خواننده فضایی که شاعر در هنگام سرودن متصور بوده را به راحتی تصویرسازی میکند.

نگاه انتقادی او به عوامل مخرب طبیعت و حیوانات نشان از طبیعت‌دوستی او دارد و او نیز مانند همعصران خود همچون سپهری و فرخزاد دغدغه طبیعت را دارد. پروین از طریق مناظره و پندهای خود مولفه‌های بومگرایی را به خوانندگان منتقل کرده و رابطه انسان و طبیعت را بیشتر منفی تلقی کرده و یکی از عوامل تخریب طبیعت را انسان میداند.

از منظر بومهراسی پروین طبیعت را دارای چهره‌ای متفاوت ترسیم میکند و طبیعت از دید او گاه می‌تواند مخرب، ویرانگر باشد و موجبات زوال و نابودی موجودات را فراهم آورد. باد و طوفان، گرمای خورشید، خشکسالی، برف و تگرگ، شب و تاریکی و دریا هر کدام به عنوان عناصری طبیعی میتوانند ویرانگر باشند. بنابراین هراس از این پدیده‌ها گاه در اعمال و گفت‌وگوهای شخصیتها در شعر پروین مشاهده میشود.

مشارکت نویسندگان

این مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر سرکار خانم نغمه هوشیاران و آقای دکتر مهدی رستمی میباشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی خود را اعضای هیأت تحریریه نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام مینمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Adinehvand, Masoud. Adelfar, Baqer ali. Amrai, Shams al-din. Bazvand, Sattar (2016). "Analysis of the phenomenon of royal hunting in the Qajar era, Tehran: Ganjineh-Andan quarterly journal, Year 26, Issue 4: pp. 42-63.
- Adib Rad, Narges . Yousef Fam, Aaliyeh, Jafariyeh, Mahnaz. (2021) The impact of different temporal ecosystems on the poems of Sohrab Sepehri and Manouchehr Atashi from the perspective of ecological criticism, Tehran: Quarterly Journal of Environmental Education and Sustainable Development, Year 9, Issue 3: pp. 147-166
- Etesami, Parvin . with the help of Ahmadi Givi, Hassan. (2002) Parvin Etesami's Poetry Collection. , 6th edition. Tehran: Qatra Publishing.
- Etesami, Parvin. With the help of Bazazan, Hassan. (2005). Divan Charkh Adab Parvin Etesami. Mashhad: Sunbaleh Publications
- Parsapour, Zahra. (2012). Eco-Criticism, a New Approach in Literary Criticism. Quarterly Scientific Research Journal of Literary Criticism. Year 5. Issue 19: Pp 7-26.
- Parsapour, Zahra. (2013). Ecological Criticism (Literature and Environment). Tehran: Institute of Humanities and Cultural Sciences.
- Chenari, Abdul Amir. (2002). The Hunting Poem of the Akhavan Sales Journal of Humanities, Shahid Beheshti University. Issue 33: pp 97-111.
- Habibi Nesami, Morteza. (2015). An Ecological Study of Shabiru, by Mahmoud Dowlatabadi. Contemporary Persian Literature. Institute for Humanities and Cultural Studies. Year 4. Issue 4 :pp 95-115.

- Daraei, Enayatollah. Najjarnoubari, Effat. (2022). Nature in Forough Farrokhzad's Poetry; From Enmity to Cohabitation with the Saar to Solitude. *Bi-Quarterly Journal of Literary Criticism Studies*. Year 17. Issue 53: Pp 117-141.
- Tavuosi, Sohrab. (2022). *The Soil Inside; Environment in Contemporary Iranian Poetry*. 2nd Edition Tehran: Aftabkaran.
- Atefehpour, Leila. Parsapour, Zahra. (2023). Ecophobic Reading of Literary Texts. *Quarterly Scientific Research Journal of Literary Criticism*. Year 16. Issue 63: Pp 107-144.
- Kenny, Michael. (2006). (Ecologicalism). *An Introduction to Political Ideologies*, Robert Akshall et al., translated by Mohammad Qaed. 2nd edition. Tehran: Markaz Publishing House. Pp 275-311.
- Kianpour, Masoumeh. Fayazi, Maryam Al-Sadat. (2017). Environmental Themes in Gilaki Poems Based on the Approach of Eco-Critical Criticism, *Persian Literature*, Moalsar Institute of Humanities and Cultural Studies, Year 7, Issue 3: Pp 43-69.
- Mehraban, Arash. Arab Yousef Aladi, Faezeh. (2023). Analysis of the Eco-Linguistic Discourse in Children's and Adolescent Literature (Case Study: Simorgh was My Grandfather). *Literary Discourse Journal*, Volume 1, Year 3: Pp 87 – 110.

فهرست منابع فارسی

- آدینه‌وند - مسعود، عادل فر - باقرعلی، امرایی - شمس‌الدین، بازوند- ستار، (زمستان ۱۳۹۵)، *تحلیل پدیده شکار سلطنتی در عصر قاجار*، فصلنامه گنجینه اسناد، س ۲۶، ش ۴، صص ۶۳-۴۲.
- ادیب راد - نرگس، یوسف فام - عالیه، جعفریه - مهناز، (بهار ۱۴۰۰)، *تأثیر زیست‌بوم‌های مختلف زمانی در اشعار سهراب سپهری و منوچهر آتشی از منظر نقد بوم‌گرا*، تهران: فصلنامه آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار، س ۹، ش ۳، صص ۱۶۶-۱۴۷.
- اعتصامی - پروین، به کوشش احمدی‌گیوی، حسن، (۱۳۸۱)، *دیوان اشعار پروین اعتصامی*، تهران: نشر قطره، چاپ ششم
- اعتصامی - پروین، به کوشش بزازان - حسن، (۱۳۸۴)، *دیوان اختر چرخ ادب پروین اعتصامی*، مشهد: انتشارات سنبله.
- پارساپور - زهرا، (پاییز ۱۳۹۱)، *نقد بوم‌گرا، رویکردی نو در نقد ادبی*، فصلنامه علمی - پژوهشی نقد ادبی، س ۵، ش ۱۹، صص ۲۶-۷.
- پارساپور - زهرا، (۱۳۹۲)، *نقد بوم‌گرا (ادبیات و محیط‌زیست)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- چناری - عبدالامیر، (۱۳۸۱)، *منظومه شکار اخوان ثالث*، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۳۳، صص ۱۱۱ - ۹۷.

- حبیبی نسامی - مرتضی ، (۱۳۹۳) ، بررسی بوم‌گرایانه با شبیرو ، اثر محمود دولت‌آبادی ، ادبیات پارسی معاصر ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ، س ۴ ، ش ۴ ، صص ۹۵ - ۱۱۵ .
- دارائی - عنایت اله ، نجار نوبری - عفت ، (۱۴۰۱) ، طبیعت در شعر فروغ فرخزاد؛ از انس و همخوابگی با شعر تا حلول ، دوفصلنامه مطالعات نقد ادبی ، س ۱۷ ، ش ۵۳ ، صص ۱۱۷-۱۴۱
- طلاووسی - سهراب . (۱۴۰۱) . اندوه خاک؛ محیط زیست در شعر معاصر ایران . چاپ دوم . تهران : آفتابکاران .
- عاطفه‌پور - لیلیا ، پارساپور - زهرا ، (۱۴۰۲) ، خوانش اکوفوبیک (بوم‌هراسانه) متون ادبی ، فصلنامه علمی - پژوهشی نقد ادبی ، س ۱۶ ، ش ۶۳ ، صص ۱۰۷-۱۴۴ .
- کنی - مایکل (۱۳۸۵) ، (زیست‌بوم‌گرایی) ، مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی ، رابرت اکشال و دیگران ، ترجمه محمد قائد ، چاپ دوم ، تهران : نشرمرکز . صص 275-311 .
- کیانپور - معصومه ، فیاضی ، مریم السادات ، (۱۳۹۶) ، مضامین زیست‌محیطی در اشعار گیلکی براساس رویکرد نقد بوم‌گرا ، ادبیات پارسی معاصر ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ، س ۷ ، ش ۳ ، صص ۶۹-۴۳ .
- مهربان - آرش ، عرب یوسف آبادی ، فائزه ، (۱۴۰۲) ، تحلیل گفتمان بوم‌گرایانه ادبیات کودک و نوجوان (مطالعه موردی سیمرغ پدربزرگ من بود) ، نشریه گفتمان ادبی ، دوره اول ، س ۳ ، صص ۱۱۰ - ۸۷ .

معرفی نویسندگان

نغمه هوشیاران: دانشجوی گروه کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سلمان فارسی کازرون، کازرون، ایران.

(Email: n.hooshyar@kazerunsfu.ac.ir)

(ORCID: 0009-0009-1360-6646)

مهدی رستمی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سلمان فارسی کازرون، کازرون، ایران.

(Email: dr.rostami@kazerunsfu.ac.ir : نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0003-1541-5711)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Naghme Hooshyaran: Bachelor student, Department of Persian Language and Literature, Salman Farsi of Kazeroun University, Kazeroun, Iran.

(Email: n.hooshyar@kazerunsfu.ac.ir)

(ORCID: 0009-0009-1360-6646)

Mehdi Rostami: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Salman Farsi of Kazeroun University, Kazeroun, Iran.

(Email: dr.rostami@kazerunsfu.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0000-0003-1541-5711)